

تأثیرپذیری ادبیات فارسی از قرآن و حدیث

(۱)

مقدمه:

ادبیات فارسی یکی از جلوه‌های زیبای قومی و ملی سرزمین ایران است که پس از ظهور و گسترش دین مبین اسلام و برچیده شدن دستگاه پرزرق و برق ساسانیان، تاکنون فراز و نشیب‌های زیادی را در بستر تاریخ طی کرده است.

در اوایل قرن سوم هجری و با سپری شدن دوره فترت ادبی، طلایه‌داران ادب فارسی و سخن‌گستران ایرانی به تدریج در رشته‌های نظم و نثر، آثار ارزنده‌ای را به وجود آوردند که متأثر از آثار کهن ملی و اسلامی به ویژه آیات قرآن مجید و احادیث نبوی و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

این تأثیرپذیری به تدریج سیر صعودی را طی کرد تا این‌که در قرن ششم هجری به اوج شکوفایی رسید، به طوری که کلیه شعرا و نویسندگان موفق شدند آثار علمی و ادبی خود را با صبغه اسلامی ارائه کنند و به بهترین شکل در پیشگاه قرآن و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اولیای دین عرض ادب کنند و گهرهایی

بس گرانبها را از خود به یادگار بگذارند. به طوری که با آمیختن فرهنگ ایرانی و اسلامی، برگ زرینی را در تاریخ ادبیات کشورمان گشودند؛ چنانکه آثار شاعرانی همچون فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ و... شاهد این مدعاست.

فارسی‌زبان، کتب علمی و ادبی خود را به زبان علمی بنویسند.

۲. معتقدات خود نویسندگان و شاعران سبب شد تا قرآن به عنوان یک منبع دینی و مقدس مد نظر قرار داده شود و با استفاده از آیات و احادیث، مسایل دینی را در آثار خود نقل کنند.

۳. عامل سوم مربوط به جایگاه قرآن نزد مسلمانان، به ویژه ایرانیان بوده است، یعنی هر شاعر و نویسنده‌ای که قصد مطرح شدن در جامعه ایرانی و اسلامی را نزد حاکمان و سایر ادبا داشته، تلاش جدی نموده تا با افزایش اطلاعات خود نسبت به کتاب آسمانی و سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام، اشعار و نوشته‌هایش را با آیات و مضامین قرآنی بیاراید.

۱. خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری، ص ۱۸.
۲. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، ج ۵، ص ۴۳۲.

در این نوشتار درباره دلایل و میزان تأثیرپذیری زبان و ادبیات فارسی از قرآن و حدیث و نیز نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری، نکاتی را به محضر مبارک خوانندگان عزیز عرضه می‌داریم:

علل تأثیرپذیری

۱. مورخان اتفاق نظر دارند که دین اسلام با سرعتی شگفت‌انگیز در ایران پیشرفت کرد و در مدت بیست سال، تمام فلات ایران را از ساحل فرات تا رود جیحون و از کناره‌های سند تا کرانه دریایچه خوارزم فراگرفت^(۱). با گسترش اسلام در ایران و احیای دانش‌های مذهبی، دوره جدیدی از نفوذ زبان عربی در ایران آغاز شد که همان زبان قرآن بود^(۲). بنابراین زمینه مناسب شد تا دانشمندان و علمای ما انس و الفت بیشتری با آیات قرآن و احادیث داشته باشند و حتی برخی از نویسندگان

۴. حکومت‌های ایرانی تحت لوای حکومت خلفا، یکی دیگر از عوامل تأثیرپذیری ادبیات فارسی از قرآن و

این‌که خطابه در اسلام بیشتر از شعر ترقی کرد، این بود که در قرآن مجید از شعر و شاعری بدگویی شده ولی از

حدیث به شمار می‌رود. اِعمال قدرتی که حکومت‌ها برای ترویج اسلام و تبلیغ آیات قرآن به خرج می‌دادند، عامل اصلی این تأثیرپذیری بوده است^(۱).

۵. سهولت کلمات قرآن و احادیث در ادبیات فارسی در مواردی که یک کلمه عربی ساده‌تر از یک کلمه کهنه ایرانی به نظر می‌آمد و یا معادل فارسی آن یافت نمی‌شد و استعمال آن هم لازم به نظر می‌رسید مانند: حج، کافر، مؤمن، قرآن، حدیث، روایت، سجود، اسلام، مسجد، خطبه و.... این امر سبب شد تا این‌گونه واژه‌ها در متون فارسی وارد شود و شعرا و ادبا برای بیان مقصود خود به آیات قرآن و احادیث استناد نمایند.

(یکی از علل تأثیرپذیری ادبیات فارسی از قرآن و...) سهولت کلمات قرآن و احادیث در ادبیات فارسی در مواردی که یک کلمه عربی ساده‌تر از یک کلمه کهنه ایرانی به نظر می‌آمد و یا معادل فارسی آن یافت نمی‌شد و استعمال آن هم لازم به نظر می‌رسید مانند: حج، کافر، مؤمن، قرآن، حدیث، روایت، سجود، اسلام، مسجد، خطبه و.... این امر سبب شد تا این‌گونه واژه‌ها در متون فارسی وارد شود و شعرا و ادبا برای بیان مقصود خود به آیات قرآن و احادیث استناد نمایند.

۶. آخرین علت تأثیرپذیری، رونق بازار وعظ و خطابه در اسلام بود. علت

۱. مجله گلستان قرآن، شماره ۸۰، شهریور ۱۳۸۰، ص ۱۶.
۲. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۵۲.

فارسی از قرن چهارم هجری سیر صعودی داشته است؛ مثلاً گرچه شاعرانی همچون رودکی (م ۳۲۹ هـ.ق)، بلخی (م ۳۲۵ هـ.ق)، دقیقی، فردوسی و مانند آنها به عنوان نخستین شاعران پرمایه ایرانی در دوره اسلامی مطرح هستند و تحت تأثیر فرهنگ قرآنی قرار دارند، اما استفاده از اساطیر ایرانی همچون زردشت، انوشیروان، بوذرجمهر، اوستا، زند و... در آثار آنها بیشتر است تا استفاده از تلمیحات قرآنی. کم‌رنگ بودن این تأثیر مربوط به قرون اولیه حکومت خلفا بر ایران و دوره‌ای است که گاهی نوعی مخالفت با زبان و حکومت عربی وجود داشته است؛ همچون نهضت شعوبیه که در برابر برتری‌جویی‌های خلفای عرب شکل گرفت.

البته این گروه مخالفتی با حکومت اسلامی نداشتند، بلکه با خلفا مخالف بودند و بر ضد آنها قیام کردند و این

خطابه انتقادی نشده است^(۱).

شیوع تصوّف در ایران و ظهور شخصیت‌های برجسته‌ای که این نوع تعلیمات را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار می‌دادند، سبب شد تا شاگردان این‌گونه افراد که عمدتاً ادبا، فضلا و دانشمندان این دوره و یا دوره بعد بودند، تحت تأثیر وعظ و خطابه قرار گیرند و اندیشه‌هایی را که از این مجالس اخذ می‌کردند، در آثار خود منعکس کنند و به این ترتیب استفاده از آیات و احادیث از این طریق در ادبیات فارسی رونق بیشتری یافت^(۲). گسترش تصوّف و عرفان در ایران از همان قرن‌های چهارم و پنجم شدت گرفت و چهره‌های شاخص و برتری مثل پایزید بسطامی، عین‌القضات همدانی و... ضمن قوت بخشیدن به ادبیات فارسی به واسطه اندیشه‌هاشان تحولی در این حوزه ادبی ایجاد کردند و قرآن و حدیث در این حوزه تجلی بیشتری یافت.

میزان و سیر تأثیرپذیری

تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات

۱. تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ج ۳، ص ۵۱۰.

۲. مجله گلستان قرآن، شماره ۸۰، ص ۱۷.

که از ابوحنیفه اسکافی بازمانده، توجه به آیات قرآنی کاملاً هویدا است.

در دیوان قطران تبریزی (م ۴۶۵ ق) بین اساطیر ایرانی و اسلامی تعادلی به وجود آمده است اما در دیوان منوچهری تلمیحات اسلامی بیش از تلمیحات ایرانی.

در این دوره، دودمان‌های ترک (غزنویان) بر ایران غلبه یافته و از رواج قصص ایرانی همچنان کاسته می‌شد. در نیمه دوم سده پنجم هجری (۵۵۲-۴۲۹ ق) که سلجوقیان بر ایران سلطه داشتند و فرهنگ اسلامی در این دوره بیش از پیش رواج یافت، به همان نسبت تلمیحات اسلامی و قرآنی در دواوین (دیوانهای) شاعران افزایش یافت و از توجه به اساطیر ایرانی کاسته شد.

در سده ششم هجری به علت رواج یافتن علومى همچون تفسیر و کلام و دیگر علوم دینی، اشارات قرآنی در

عامل سبب شد تا شعرای قرون نخستین (قرن چهارم به بعد) گرایش‌های ملی و باستانی پیدا کنند؛ به طوری که گاه احساس می‌شود این گرایش‌ها بر احساسات دینی می‌چربد^(۱). مثلاً شاهنامه فردوسی به عنوان یک اثر ارزشمند و قابل ستایش در ادبیات فارسی از این ویژگی برخوردار است؛ یعنی فردوسی با وجود آن‌که شاعری متعهد، مقید به اسلام و دارای تفکر شیعی است؛ اما میل به تاریخ باستان ایران دارد که این به علت همان سخت‌گیری و بی‌توجهی‌هایی است که خلفای اسلامی می‌کردند. به هر حال در قرن چهارم هجری اثر قرآن و حدیث روی اشعار شاعران و آثار نویسندگان کم‌رنگ است ولی با گذشت زمان، این تأثیرپذیری پررنگ می‌شود^(۲).

در اشعار شاعران سده پنجم مانند فرّخی (م ۴۲۹ ق)، عنصری (م ۴۳۱ ق)، منوچهری (م ۴۳۲ ق) و فخرالدین اسعد گرگانی توجه به اساطیر ایرانی زیاد بوده؛ اما استفاده از قصص قرآنی نیز توضیح گرفته است؛ چنانکه در اشعار کمی

۱. دانشنامه قرآن پژوهی، بهاءالدین

خرمشاهی، ج ۲، ص ۱۷۱۸.

۲. کجله گلستان قرآن، شماره ۸۰، ص ۱۷.

آزادی خواهانه در آن دوره، این اشارات زیاد نیست. با این همه در اشعار ملک الشعرای بهار (م ۱۳۳۰ ق)، دهخدا (م ۱۳۳۴ ش)، ادیب نیشابوری (م ۱۳۳۴ ق) و دیگران اشارات یا تلمیحاتی می توان یافت.

در شعر شاعران معاصر نیز این تأثیر پیداست و هیچ برگی از این بوستان، خالی از این برکت نیست. اما تأثیر قرآن در شعر شاعرانی چون سید محمد حسین شهریار، جلال الدین همایی، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، هوشنگ ابتهاج، علی معلم و... بیشتر است.

در کتاب های نثر در ادب فارسی نیز کتابی را نمی توان یافت که در آن اثری و نشانه ای از قرآن راه نیافته باشد. البته در آثار عرفانی مانند کیمیای سعادت، تمهیدات عین القضاة، نامه های عین القضاة، کشف المحجوب، فیه مافیه، مرصاد العباد و... این تأثیرپذیری بیشتر است (دانش نامه قرآن پژوهی، ص ۱۷۱۹-۱۷۱۸).

دواین شاعران و آثار نویسندگان بسیار زیاد شد؛ به طوری که انوری (م ۵۸۳) در دیوانش شعر تماماً تلمیح درباره حضرت سلیمان دارد. در این دوره پس از آن (قرن ششم به بعد) اوج استفاده از قرآن در اشعار فارسی شاعران طرفدار «سبک عراقی» است. شاعرانی همچون سنایی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ و جامی تأثیر بسیار زیادی از قرآن، اخبار و احادیث گرفته اند؛ به طوری که مثنوی معنوی را تفسیری عارفانه از قرآن دانسته اند.

در دوره «بازگشت» نیز اشارات قرآنی در اشعار شاعرانی چون مشتاق اصفهانی (م ۱۱۷۱ ق)، هاتف اصفهانی (م ۱۱۹۸ ق)، فروغی بسطامی (م ۱۲۷۴ ق)، وصال شیرازی (م ۱۲۶۲ ق) و قانلی (م ۱۲۷۰ ق) می توان پیدا کرد؛ اما هرگز تأثیر قرآن و احادیث در این اشعار به شدت تأثیر در سبک عراقی نیست.

در اشعار شاعران دوره مشروطیت نیز گاه به اشاراتی برمی خوریم؛ اما به جهت اشاعه افکار میهن دوستانه و